

Components and functions of the culture of sacred defense and its educational implications for the young generation

Murad Tarkashvand¹

Sardar Ali Babakhani²

Abstract

history, attention to cultures has always been of great importance, and neglecting it has also led to irreparable damage. On the other hand, the culture that governs Iran is also an Islamic culture that has gained a special appearance with the emergence of the Islamic Revolution, and the era of sacred defense can be considered the origin of the emergence of this Islamic and revolutionary culture.

research is to examine the components and functions of the culture of sacred defense and extract its educational implications for the younger generation. The method of this research is descriptive-analytical. The findings indicate that the analysis of the culture of sacred defense has fruitful educational implications that can transform the country's education system and prevent the emergence of cultural aggression, which of course, the education system also plays a significant role in promoting this culture.

Keywords

Culture, Sacred Defense, Education System, Function, Component

PhD student in Philosophy of Education, Kharazmi University of Tehran ¹

morad.torkashvand92@gmail.com

Head of the Sacred Defense Research Institute. This article is taken from the Kasr Khedmat project ² entitled "Explanation of the foundations, components and functions of sacred culture and its educational implications for the young generation".

مؤلفه‌ها و کارکردهای فرهنگ دفاع مقدس و دلالت‌های تربیتی آن در نسل جوان

مراد ترکاشوند^۳

سردار علی باباخانی^۴

چکیده:

همواره در طول تاریخ بشر توجه به فرهنگ‌ها دارای اهمیت بالایی بوده است و غفلت از آن نیز آسیب‌های جبران‌ناپذیری را به دنبال داشته است. از سوی دیگر فرهنگ حاکم بر کشور ایران نیز فرهنگی اسلامی هست که با ظهور انقلاب اسلامی جلوه‌ی ویژه‌ای پیدا کرده است و می‌توان دوران دفاع مقدس را منشأ ظهور این فرهنگ اسلامی و انقلابی دانست. هدف این پژوهش بررسی مؤلفه‌ها و کارکردهای فرهنگ دفاع مقدس و استخراج دلالت‌های تربیتی آن برای نسل جوان است. روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی هست. یافته‌ها بیانگر آن‌اند که واکاوی فرهنگ دفاع مقدس دارای دلالت‌های تربیتی ثمربخشی است که می‌تواند نظام تعلیم و تربیت کشور را دگرگون کند و از بروز تهاجم فرهنگی جلوگیری کند که البته نظام تعلیم و تربیت نیز در ترویج این فرهنگ نقش بسزایی بر عهده دارد.

کلیدواژه‌ها:

فرهنگ، دفاع مقدس، نظام تعلیم و تربیت، کارکرد، مؤلفه

^۳. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه خوارزمی تهران morad.torkashvand92@gmail.com
^۴. رئیس پژوهشگاه دفاع مقدس. این مقاله برگرفته از پروژه کسر خدمت با عنوان «تبیین مبانی، مؤلفه‌ها و کارکردهای فرهنگ مقدس و دلالت‌های تربیتی آن در نسل جوان» هست.

مقدمه:

یکی از وقایع سرنوشت‌ساز در تاریخ کشور ایران، پیروزی انقلاب اسلامی و شکست نظام شاهنشاهی بود که در عرصه داخلی و بین‌المللی بازتاب گسترده‌ای به‌جای گذاشته است. این پیروزی و به‌تبع آن توسعه روزافزون آن بر قلب‌ها و افکار عمومی جوانان، دلهره شدید سردمداران کفر را برانگیخت؛ به‌طوری‌که آنان با طرحی مخفیانه، دست به جنگی سازمان‌یافته علیه انقلاب نوپای ایران زدند. ضربه دیدن ابرقدرت‌ها از نظر سیاسی و به هم ریختن موازنه قدرت بین‌الملل به نفع حاکمیت مذهب و همچنین از بین رفتن منافع اقتصادی آنان در منطقه و ترس از تحریک کشورهای هم‌جوار ایران به مقابله با نظام استکباری و از همه بالاتر ترس از حاکمیت مذهب در جهان، موجبات این جنگ هشت‌ساله علیه ایران را فراهم آورد (سمیعی اصفهانی و همکاران، ۱۳۹۳، بهداروند و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۳۶). هشت سال دفاع مقدس یکی از برهه‌های تاریخی بی‌نظیر و سرنوشت‌ساز در تاریخ کشور و انقلاب اسلامی است. این جنگ علاوه بر دستاوردهای عظیم در صحنه بین‌المللی که مایه عزت و عظمت نظام اسلامی و تعدیل موازنه قدرت به نفع اسلام و ایران بود، آثار و برکاتی در درون نظام اسلامی به‌جای گذاشته است؛ که یکی از آن دستاوردها، در بعد فرهنگی است (جمالی، ۱۳۹۴، ص ۶۵).

بیان مسئله

3

هشت سال دفاع مقدس ملت ایران حامل فرهنگ ویژه‌ای است که آن را از سایر نبردها و جنگ‌های متعارف به‌استثنای نبردهای قهرمانان صدر اسلام متمایز می‌سازد. فرهنگ و ادبیاتی که در دفاع مقدس تولید شد آمیزه‌ای از حماسه و عرفان بود و درون‌مایه آن باورهای دینی و اندیشه دفاعی اسلام بود که حضرت امام (ره) در تبیین و تولید این فرهنگ و ادبیات نقش تعیین‌کننده‌ای دارند (نائینی، ۱۳۸۹، ص ۳۴). مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در همین راستا می‌فرماید: «هشت سال دفاع مقدس دارای ظرفیت تولید هزاران کتاب به‌منظور انتقال فرهنگ و ارزش‌های اسلامی و انقلابی به جامعه و جهان است» (بیانات در دیدار جمعی از مسئولان حوزه هنری و دست‌اندرکاران تولید و انتشار کتاب دا، ۱۳۸۹).

از سوی دیگر، فرهنگ یکی از مبانی مهم در هر کشوری است. اما قبل از بحث از فرهنگ نیازمند آن هستیم تا منظورمان را از فرهنگ مشخص کنیم. فرهنگ از جمله واژگانی است که به دلیل تنوع و تکثر نگرش و رویکردهای معطوف به آن دارای تعاریف متعددی است و هر کس با توجه به نگرش خود به موضوع، تعریفی خاص ارائه نموده است. به‌عنوان نمونه واترز^۵ فرهنگ را مجموعه‌ای سازمان‌یافته از هنجارها، ارزش‌ها و قواعد می‌داند (واترز، ۲۰۰۰، ص ۹۰). عده‌ای دیگر مانند ادوارد تایلر^۶ معتقدند که فرهنگ عبارت است از مجموعه دانش‌ها، اعتقادات، هنرها، اخلاقیات، قوانین، رسوم و هرگونه توانایی و عادت دیگری است که به‌وسیله انسان به‌عنوان عضو جامعه اکتساب شود (پوراحمدی و رستمی، ۱۳۸۶ صص ۲۹۵-۲۹۶). هافستد در همین راستا معتقد است: «فرهنگ عبارت است از اندیشه مشترک اعضای یک گروه یا طبقه که آن‌ها را از دیگر گروه‌ها مجزا می‌کند» (هافستد، ۱۹۹۲، ص ۱۸۰).

اما معنای اصلی فرهنگ در این پژوهش، عبارت است از: الگوهای رفتاری و باورهای مشترک یک جامعه که در تعامل با محیط ایجاد می‌شود (محمدی، ۱۳۷۳، ص ۲۵). این تعریف به نظر می‌رسد که تعریفی جامع باشد چراکه سه عنصر اصلی

این تعریف الگوهای رفتاری، باورهای مشترک و محیط اعم از طبیعی و اجتماعی است. این سه عنصر در طول زمان نوعی تعادل و سازگاری با یکدیگر دارند. به عبارت دیگر فرهنگ ناشی از فرایند ایجاد سازگاری و تعادل بین رفتارها و باورها، متناسب با محیط اجتماعی و طبیعی است. در واقع افراد هر جامعه بر اساس تجاربی که دارند و یا خود به آن دست می‌یابند و آموزش‌هایی که دریافت می‌کنند بر روی برخی الگوهای رفتاری (شامل انواع مهارت‌های اجتماعی، فناوری، نهادها و محصولات ناشی از آن) و باورهای مشترک (شامل مذهب، اساطیر، ارزش‌ها و سمبل‌های عاطفی) به نوعی توافق جمعی می‌رسند (محمدی، ۱۳۷۳، ص ۲۸).

واژه فرهنگ در سده‌های گذشته به معنای آموزش و پرورش و یا آموختن ادب و علم و دانش نیز به کار رفته است و در لغت‌نامه‌های عربی نیز «ادب» را با فرهنگ، «مؤدب» را فرهنگ آموز و «متأدب» را فرهنگ آموزنده معنی کرده‌اند (آشوری، ۱۳۵۷ ص ۸). فرهنگ امری تعلیمی و اکتسابی است یعنی غریزی و توارثی نیست، اما البته نه فقط با تعلیم و تربیت ارادی و اکتسابی اختیاری، بلکه عمدتاً با القائات و تأثیرگذاری‌های خود به خودی ناشی از محیط زندگی و نشوونمای آدمی پدید می‌آید (رفیع، ۱۳۸۷، ص ۴).

از سوی دیگر جهان امروز شاهد بروز و ظهور گسترده تنوع خواهی در میان مردم است و این تنوع و تکثر مورد نظر مردم نیز بیشتر در عرصه سبک زندگی، رفتارهای اجتماعی و مسائل فرهنگی خود را نشان می‌دهد (سجادی، ۱۳۸۴، ص ۲۷). به تبع آن مسئله هویت نیز خود جای بررسی و تحقیق دارد. می‌دانیم که امروزه از مردم انتظار نمی‌رود مطیع بی‌قید و شرط فرهنگ غالب باشند و این فضای غالب جهانی، صرف نظر از درستی و مطلوب بودن و یا نبودن آن، البته خود متأثر از سه جریان تحولی مهمی است که جهان امروز را در بر گرفته است که می‌توانیم از آن‌ها به عنوان گسترش سریع اطلاعات، گسترش ارتباطات و پیشرفت فزاینده فناوری یاد نماییم. اساسی‌ترین اثرات تحولات فوق‌الذکر را باید در عرصه فرهنگ و هویت فردی و جمعی انسان‌ها دانست و به همین دلیل منطقاً می‌توان از تعلیم و تربیت نیز سخن گفت. چراکه تعلیم و تربیت هم به مقولاتی چون فرهنگ و هویت مربوط می‌شود و هم به شدت تحت تأثیر تحولات به وجود آمده در عرصه ارتباطات، اطلاعات و فناوری قرار دارد. بنابراین هر جا سخن از فرهنگ، مؤلفه‌های فرهنگی و هویت جوانان و چالش‌های پیش روی آن می‌رود، تعلیم و تربیت و نقش‌هایی که در این زمینه دارد، خود به خود مطرح می‌شود. امروزه با بروز تحولاتی که متذکر آن شده‌ایم، رویکردی جدید تحت عنوان کثرت‌گرایی فرهنگی پا به عرصه نهاده که به دنبال پیامدهایی را نیز به همراه خواهد داشت و یکی از آن‌ها مسئله هویت جوانان است.

تعلیم و تربیت یکی از نهادهای مهم اجتماعی است که به شدت تحت تأثیر تحولات پیرامون خود قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر کیفیت و ماهیت عملکرد نظام‌های تربیتی هر جامعه‌ای به کیفیت و ماهیت و عملکرد تحولات پیرامونی بستگی دارد (سجادی، ۱۳۸۴، ص ۲۶-۲۷). فرهنگ و هویت فرهنگی در مبحث تعلیم و تربیت کثرت‌گرای فرهنگی بسیار بااهمیت می‌نماید. بنا به گفته والکر، از جمله راه‌های انتقال فرهنگی می‌توان به تعلیم و تربیت، تربیت مستقیم، تقلید، گفتار علمی و... اشاره کرد (والکر، ۲۰۰۰ ص ۵۶). بدیهی است فرهنگ منبع مهم ادراک، احساس و هویت فردی ماست. اینکه چه کسی هستیم؟ و به کجا و به چه چیزی تعلق داریم؟ می‌تواند بیانگر اهمیت مسئله هویت فرهنگی باشد. به همین دلیل ارزش قائل نشدن برای هویت فرهنگی یک فرد برای او آزاردهنده است و اگر این مسئله با رد مذهب یا دیگر عقاید او و شیوه زندگی او همراه باشد، این آزار می‌تواند با جراحت نیز همراه باشد. اضافه شدن بی‌عدالتی و نابرابری و تبعیض نیز می‌تواند زخمی دیگر بر روی زخم‌های او باشد (امین، ۱۳۷۸، ص ۱۵).

بر همین مبنا و با توجه به کثرت‌گرایی فرهنگی و تهاجم فرهنگی غرب بر دیگر فرهنگ‌ها، نظام جمهوری اسلامی ایران نیز آماج تهاجمات فرهنگی رسانه‌های غرب و شرق قرار گرفته است و از سوی دیگر دوران دفاع مقدس که ۸ سال به طول انجامید فرهنگ اسلامی - ملی را با هم تلفیق کرده است و دارای رهنمودهای ارزشمندی برای تربیت نسل جوان و همچنین جلوگیری از تهاجم فرهنگی و جنگ نرم است. یکی از راه‌های نهادینه کردن فرهنگ از طریق آموزش و تربیت است. این عامل، خود برگرفته از عواملی همچون، نوع روابط اخلاقی - فرهنگی و رفتاری حاکم بر خانواده، آموزش و پرورش و همچنین جامعه است. در همین راستا (والکر، ۲۰۰۰ ص ۵۶) معتقد است که آموزش و پرورش در عین آن‌که رسالت شناساندن سنن تاریخی و فرهنگی یک جامعه و کمک به حفظ آن‌ها را دارد، رسالت توجه به نیازهای جامعه‌ی متحول و مدرن را نیز دارد. بدین ترتیب آموزش و پرورش ضمن اینکه در پذیرش و نفوذ دادن ابعاد مثبت و سازنده‌ی فرهنگ جهانی که به‌خصوص از طریق رسانه‌های آموزشی می‌تواند وارد شود نقش دارد، در عین حال در حفظ هویت فرهنگی و پایداری فرهنگی جامعه در مقابل الگوهای مصرفی و تحمیلی که از طریق فرایند جهانی‌سازی الگوسازی می‌شود، می‌تواند نقش پالایش دهنده و آگاه‌کننده داشته باشد.

بر همین اساس وظیفه نظام آموزشی یا به عبارت کلی‌تر تعلیم و تربیت، آماده کردن افراد برای ایفای نقش‌های اجتماعی در جامعه با به‌بیان‌دیگر جامعه‌پذیر کردن افراد است. در جریان جامعه‌پذیری فرهنگ اجتماع نقش اصلی را دارد چراکه اصول و اهداف تعلیم و تربیت هر جامعه از فرهنگ حاکم تأثیر می‌گیرد. یا به عبارت دیگر فرهنگ جامعه به فرایند تعلیم و تربیت سمت‌وسو می‌دهد و آن را هدایت می‌کند.

5

سؤالات تحقیق:

۱. کارکردهای اصلی فرهنگ دفاع مقدس کدام‌اند؟
۲. بر مبنای کارکردهای تربیتی فرهنگ دفاع مقدس چه دلالت‌هایی برای تربیت نسل جوان می‌توان به دست آورد؟

روش تحقیق:

این تحقیق ابتدا با روش اسنادی - تحلیلی به بررسی کتاب‌ها و مقالات در زمینه دفاع مقدس و فرهنگ پرداخته است، سپس در گام بعدی با روشی تحلیلی به بررسی کارکردهای فرهنگ و به تبع آن فرهنگ دفاع مقدس پرداخته است، در نهایت دلالت‌های تربیتی فرهنگ دفاع مقدس با روش استنتاجی مشخص گردیده است. مؤلفه‌ها در یک جدول دو ستونی آورده شده‌اند که در یک ستون مؤلفه‌ها و در ستون دیگر دلالت‌های تربیتی است.

پیشینه پژوهش:

- باقریه، مصطفی (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «نقش تأثیرات فرهنگی در جنگ ایران و عراق» آنچه در این پژوهش بدان پرداخته شده، بررسی عوامل فرهنگی در جنگ ایران و عراق است. یافته بیانگر آن است که فرهنگ انقلابی مردم ایران به دلیل تبعیت از فرامین ولایت‌فقیه و داشتن روحیه شهادت‌طلبی و ایثار بر عراق پیروز گردید.

- سمیعی، علیرضا، رشیدی، بهنام و رشیدی زاده، افسانه (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «دفاع مقدس و تأثیر آن بر مؤلفه‌های ایرانی - اسلامی هویت ملی» به بررسی نقش و جایگاه دفاع مقدس بر مؤلفه‌های ایرانی و اسلامی پرداخته گردیده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که دفاع مقدس بر مؤلفه‌های هویت ملی تأثیرگذار بوده است.

- حسینی، سید اصغر و درودی، مسعود (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «رویکرد دفاع همه‌جانبه در چارچوب تفکر دفاعی امام (ره)» به بررسی نقش همه‌جانبه تفکر امام خمینی (ره) پرداخته است. یافته‌ها بیانگر آن است که طرز تفکر امام خمینی (ره) بر رویکرد فرماندهان تأثیر به‌سزایی می‌گذاشته است و آن‌ها را همیشه با روحیه و با رویکرد دفاع همه‌جانبه تقویت می‌کرد.

- غلامعلی رشید و امین پاشایی هولاسو (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «ارائه مدلی مبتنی بر مدیریت دانش جهت ترویج فرهنگ دفاع مقدس» پرداختند. هدف این پژوهش ارائه مدلی مبتنی بر مدیریت دانش عرضه می‌دهد و نتایج پژوهش نشانگر آن است که برای ترویج فرهنگ دفاع مقدس باید بین افراد، با استفاده از نظریه‌های اجتماعی، همکاری ایجاد کرد.

- ابوالقاسم طاهری، محمد رجبی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «مؤلفه‌های فرهنگی انقلاب اسلامی ایران» هدف این پژوهش این است که به بررسی مؤلفه‌های فرهنگی انقلاب اسلامی بپردازد و با اتخاذ روش کیفی و از نوع توصیفی تاریخی تحلیلی به این پرسش پاسخ گوید که چه دلایلی برای فرهنگی بودن انقلاب اسلامی ایران وجود دارد؟

یافته‌های پژوهش:

پاسخ به سؤال اول پژوهش: کارکردهای اصلی فرهنگ دفاع مقدس کدامند؟

فرهنگ به‌صورت کلی دارای سه کارکرد اساسی است که عبارت‌اند از:

۱. ایجاد تفاهم

تفاهم؛ اولین نتیجه و ثمره فرهنگ است. برای روشن شدن ارتباط تفاهم با فرهنگ جامعه، لازم است اختلاف بین فهم و تفاهم مشخص گردد. تفاهم؛ مرتبه‌ی متأخر از فهم است. تفاهم، زمانی صورت می‌پذیرد، که فهم و سنجش نسبت به امری به پذیرش عمومی برسد. زمانی که فهم یک مطلب به پذیرش عمومی رسید، مبدأ تفاهم می‌شود. در پذیرش اجتماعی، ابتدا پذیرش و تغییر شکل‌گیری ارتکازات صورت می‌پذیرد و سپس، تفاهم حاصل می‌شود (پیروزمند و صادقی، ۱۳۸۵، ص ۱۳).

از سوی دیگر، در آغازین سال‌های قرن جدید، این ضرورت احساس گردید که همه‌ی انسان‌ها مسئولانه به اهداف و ابزار تعلیم و تربیت توجه کنند. چالش‌های بزرگ در تمامی ابعاد وسیع جامعه، چشم‌اندازی از ضرورت نوآوری، احیاء و ابداع را به ما نشان می‌دهد. چگونه ممکن است این چالش‌های بزرگ، توجه سیاست‌گذاران آموزشی را جلب نکند؟

برای رسیدن به تفاهم که یکی از کارکردهای فرهنگ هست باید با تنش‌های اصلی روبرو شویم و بر آنان فائق آییم، تنش میان فرهنگ جهانی و فرهنگ محلی، تنش‌های همگانی و فردی، تنش میان سنت و تجدد، تنش میان ملاحظات درازمدت و کوتاه‌مدت و بالاخره تنش میان توسعه‌ی فوق‌العاده‌ی دانش و ظرفیت تطابق بشر با آن و درنهایت، عامل همیشگی دیگر،

تنش میان معنویات و مادیات است که غالباً انسان بدون شناخت آن، آرزوی دستیابی به آرمان‌ها و ارزش‌هایی را که «اخلاق» نام دارد، نمی‌تواند در سر بپروراند. در اینجا وظیفه‌ی متعالی سیستم آموزشی و اهمیت جایگاه آن مشهود و مشخص می‌گردد و این گفته اغراق نیست که بقای انسان‌ها به اجرای این وظیفه، بستگی دارد.

بر همین اساس، رسالت اصلی آموزش و پرورش، توان بخشیدن به فرد انسان‌ها در جهت توسعه‌ی کامل استعدادها و نیز شناخت توانمندی‌های فرهنگ خویش است و این هدف بر سایر اهداف آن، ارجحیت دارد (بختیاری، ۱۳۸۸، ص ۱۸). بر مبنای همین هدف می‌توان فرهنگ دفاع مقدس را طوری عرضه کرد که موجب تفاهم میان نسل جدید و نسل قدیم گردد. البته هرچند حصول این هدف دشوار و طولانی است، اما در جهت جستجوی جامعه‌ای بهتر و عادلانه‌تر برای زیستن، ضروری محسوب می‌گردد. البته این امر زمانی تحقق خواهد یافت که فرهنگ دفاع مقدس به‌خوبی عرضه گردد و با تمایلات و خواسته‌های نسل جوان هماهنگ و همسان باشد.

۲. احراز هویت

احراز هویت اثر دوم و مهم فرهنگ (و به تبع آن فرهنگ دفاع مقدس) است. به همین دلیل تغییرات فرهنگی، مبدأ تغییر در هویت یک جامعه هست. از آنجاکه ارتکازات یک جامعه زمانی که به هنجارهای موردپذیرش تبدیل می‌شوند، مبدأ ارزش-گذاری، زشتی و زیبایی و خوبی و بدی در جامعه محسوب می‌شوند. از این‌روی مبدأ هویت و شخصیت و تمایز یک جامعه با سایر جوامع نیز قرار می‌گیرند.

اهمیت توجه به هویت فرهنگی یک ملت به این دلیل است که معرف و مروج باورها و اعتقادات فرد و جامعه بوده و عامل تمایز حیات معنوی افراد و جوامع هست (هاشمی گیلانی، ۱۳۸۱، ص ۲۱). هویت جامعه، تابع ارتباط‌های پذیرفته‌شده‌ی آن جامعه است. به‌عنوان مثال، مفهوم شرافت در جوامع اسلامی نسبت به جوامع غربی، به دلیل پذیرش دو نوع ارتباط جنسیتی بین انسان‌ها، متفاوت است. هیچ فرد و به‌خصوص هیچ گروه اجتماعی نمی‌تواند وجود داشته باشد مگر آن‌که خود یا دیگران برای وی یک یا چند «هویت فرهنگی» تعریف کرده باشند و او بتواند خود را خواسته یا ناخواسته بازشناسایی کند. بدین ترتیب منظور از هویت فرهنگی، مجموعه‌ای از مؤلفه‌های فرهنگی هستند که به یک فرد یا به یک گروه، «شخصیت» می‌دهند و به‌عبارت‌دیگر او را از سایر افراد یا گروه‌ها «تمایز» می‌کنند تا از این راه وی بتواند وارد روابط میان کنشی با خود و دیگران شود و به عبارتی بتواند مسئولیت و توانایی «موجودیت» فیزیکی و ذهنی خود در نظامی که در آن حضور دارد را بر عهده بگیرد. تنها موقعیت‌هایی که فرد یا گروه ممکن است به‌صورت کوتاه یا درازمدت هویت نداشته، دچار ضعف یا اختلال هویتی شده و یا آن را از دست بدهند، موقعیت‌های آسیب‌زا یا بیمارگونه است که بدون شک پیش و عموماً پس از خود با نشانگان و پیامدهای زیادی همراه هستند (وثوقی، ۱۳۸۵، ص ۱۷). در موضوع هویت فرهنگی، همواره چند پرسش پیش روبروی ما است: نخست آنکه این هویت با چه اجزایی شکل می‌گیرد؟ سپس آنکه این هویت چگونه، به چه وسیله و در چه فرایندی به وجود می‌آید و تحول پیدا می‌کند؟ سوم آنکه آیا هویت فرهنگی، موقعیتی واحد و یکپارچه است و یا متکثر و چندپاره و در هر یک از این دو حالت چه ویژگی‌ها و چه پیامدهایی دارد؟ و سرانجام اینکه هویت فرهنگی چه رابطه‌ای با کنش‌های اجتماعی، نهادها و فرایندهای جامعه می‌یابد؟ بی‌شک پاسخ به هر یک از این پرسش‌ها خود نیازمند بحثی جداگانه است؛ اما ما در اینجا تلاش می‌کنیم، نخست پرسشی عمومی به این مجموعه از سؤالات (که تنها بخشی از سؤالاتی هستند که می‌توان مطرح کرد) بدهیم.

نخستین پرسش آن است که مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده هویت فرهنگی کدامند؟ شاید مهم‌ترین مؤلفه در این زمینه زبان است که به مثابه تنها ابزار ارتباط اصلی و همچنین ابزار اجتماعی شدن افراد و ظرف اصلی اندیشیدن، انباشت فکر و مرکز پردازش داده‌های دریافتی از جهان بیرونی و به مادیت درآوردن آن‌ها از طریق نظام شناختی عمل می‌کند. البته زبان بحث مفصلی دارد که در اینجا مجال ورود به آن نیست. مؤلفه بسیار مهم دیگر که خود از زبان نشات می‌گیرد، نظام‌های نام و نام‌گذاری است که خود یک فرایند «طبقه‌بندی کننده» به حساب می‌آید. وقتی به یک فرد یا به یک گروه نامی داده می‌شود، این نام در نظام اجتماعی از پیش تعریف‌شده است و نقطه آغاز یک هویت را با گروهی از مفاهیم بارگذاری می‌کند. مؤلفه‌های شکلی و محتوایی به دنبال نام و طبعاً در یک نظام زبان‌شناختی و شناختی، می‌آیند. فرد یا گروه، دارای کالبد یا بدنی هستند که در چارچوب اجتماعی در ظاهر و با سازوکارهایی مشخص، تعریف و تبیین می‌شود، بنابراین شکل و محتوای این بدن به صورت ایستا یعنی در یک لحظه مفروض ثابت و در قالب واقعی‌تر پویا، یعنی در میلیاردها حرکت روزانه‌اش، هویت فردی و گروهی را در چارچوب روزمرگی و سبک زندگی می‌سازند. کنش‌ها و پنداشت‌های فرد و گروه نیز، رابطه‌ای چرخه‌ای با هویت او دارند و دائماً این هویت را بازتعریف می‌کنند و به اصطلاح آن را در «صحنه» قرار داده و بازسازی‌اش می‌کنند (فقیه حقانی، ۱۳۸۵، ص ۲۰).

چگونگی و ابزار ساخت هویت فرهنگی، عمدتاً از خلال فرایندهای آموزش غیررسمی (خانواده و جامعه) و رسمی (نظام آموزشی) انجام می‌گیرد. در طول این فرایند، مجموعه گسترده‌ای از نظام‌های زبان‌شناختی، شناختی و بازنمایی (representation) وارد عمل می‌شوند، اما پیچیدگی فرایند به حدی است که تقریباً امکان ندارد که از پیش بتوان نتیجه نهایی شکل‌گیری هویت و تحول آن را پیش‌بینی کرد و همواره صرفاً می‌توان در یک پیوستار سخن گفت. با وصف این تجربه تاریخی در قرن اخیر نشان می‌دهد که تلاش دولت‌ها و صاحبان قدرت به در کنترل گرفتن ابزارهای ساخت هویت به ویژه در حوزه عمومی و رسمی و حتی تلاش آن‌ها برای دخالت کردن در ساخت هویت از خلال حوزه خصوصی که نهایتاً به صورت ایدئولوژی‌های بسیار سخت و استیلا طلب ظاهر شده‌اند، عموماً به اهداف خود نرسیده‌اند یعنی هویتی را که می‌خواستند حتی پس از چند نسل، نتوانسته‌اند بسازند، اما این امر سبب آن نشده که در حوزه هویت فرهنگی، آسیب‌های جدی بر جامعه وارد نکنند.

سرانجام هویت فرهنگی نیاز به همسازی و انطباق با فرآیندها و نهادها و سازوکارهای هر جامعه‌ای دارد. اگر میان این دو گروه از واقعیت‌های اجتماعی و چه در سطح کنش، چه در سطح بازنمایی تضاد سختی به وجود بیاید، بی‌شک مابه‌ازاهای آسیب‌شناختی سختی برای جامعه خواهد داشت که خود را به گونه‌ای مختلف بازتولید و تنش را تا حدی که می‌تواند انفجار انگیز باشد در آن جامعه بالا می‌برند (وثوقی، ۱۳۸۵، ص ۲۳).

از سوی دیگر فرهنگ و هویت فرهنگی در مبحث تعلیم و تربیت بسیار بااهمیت می‌نماید. بدیهی است فرهنگ منبع مهم ادراک، احساس و هویت فردی ما است. اینکه چه کسی هستیم؟ و به کجا و به چه چیزی تعلق داریم، می‌تواند بیانگر اهمیت مسئله‌ی هویت فرهنگی باشد. به همین دلیل ارزش قائل نشدن برای هویت فرهنگی یک فرد برای او آزاردهنده است و اگر این مسئله با رد مذهب یا دیگر عقاید او و شیوه‌ی زندگی او همراه باشد، این آزار می‌تواند با زخم خوردگی نیز همراه باشد (امین، ۱۳۷۸، ص ۱۱).

بر همین اساس می‌توان با استفاده از ظرفیت فرهنگی ۸ سال دفاع مقدس به تحقق هویت ملی و اسلامی جوانان کمک کرد؛ که این می‌تواند از طریق نظام تعلیم و تربیت در نسل جوان نهادینه شود. در واقع نظام‌های تربیتی، با بی‌طرفی و ایجاد

فرصت‌های عادلانه برای طرح و تبیین ویژگی‌های فرهنگ دفاع مقدس در برنامه درسی و محتوای آموزشی مربوط به خود و نقد و ارزیابی این ویژگی‌ها، می‌تواند فرایند هویت‌یابی و تحول و تکامل هویت را به‌درستی تدارک ببیند و هدایت نمایند؛ و این تنها راه کمک به دانش‌آموزان برای دست‌یابی به هویت واقعی ملی در درجه‌ی نخست و هویت مشترک جهانی در درجه دوم است.

۳. حفظ و ارتقاء انسجام اجتماعی

سومین کارکرد فرهنگ حفظ و ارتقاء انسجام اجتماعی است. وحدت‌بخشی و حفظ و ارتقاء انسجام اجتماعی سومین کارکرد فرهنگ است. فرهنگ، عامل وحدت، انسجام و همبستگی یک جامعه می‌گردد؛ چه اینکه جامعه‌ای که در ارزش‌ها، باورها و رفتارها به ذهنیت مشترکی رسیده و جهت‌گیری مشابهی را تعقیب می‌نماید، برای تحقق فرهنگ و آرمان موردپذیرش خود حاضر به هرگونه از خودگذشتگی و ایثار هست. حراست از انسجام اجتماعی در کشور به‌مثابه حراست از فرهنگ اجتماعی کشور است و نظام تعلیم و تربیت کشور برای حفظ انسجام اجتماعی باید احترام به نمادهای ملی، پرچم، سرود، زبان، خط رسمی و مدیریت فرهنگی را توسعه دهد و معلم، مدرسه و خانواده رابطه‌ای منزلتی مبتنی بر کرامت را شکل دهند تا دانش‌آموزان هم این رابطه را بازتولید کنند.

بر همین مبنا، اکنون می‌توان گفت که فرهنگ دفاع مقدس می‌تواند کارکرد انسجامی نیز در نسل جوان داشته باشد چون تمامی نمادها، سرودها، مداحی‌ها، گفتگوی رزمندگان، وصیت‌نامه شهیدان، تمسک به اهل‌بیت (ع) و... همگی می‌توانند در راستای ایجاد انسجام فرهنگی و نهادینه کردن آن در نسل جوان کاربردی شود. البته بدون شک این اجزاء نمی‌توانند چیزهایی به‌جز همان ویژگی‌های مادی و غیرمادی فرهنگی باشند، ویژگی‌هایی نظیر نظام خویشاوندی و اجزایش (نام-گذاری‌ها، دایره‌های همسرگزینی، روابط فرزندی و نیاکانی)، نظام اقتصادی (روابط و مناسک و آیین‌های مبادله)، نظام دینی و اعتقادی (در قالب‌های معنایی و شناختی آن)، نظام سیاسی و غیره؛ اما بحث مهم در آن است که کدام‌یک از این نظام‌ها و یا اجزاء اهمیت بیشتری نسبت به سایر آن‌ها دارند و به‌عبارت‌دیگر انسجام فرهنگی را عمدتاً می‌توان بر چه عنصر یا عناصری بنا کرد (علینقی، ۱۳۷۸، ص ۳۱).

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تأمین‌کننده امنیت داخلی در هر جامعه‌ای، مقوله مهم انسجام فرهنگی هست. غرض از این مفهوم وجود سطح قابل قبولی از هماهنگی بین نهادهای متولی امور اجتماعی- فرهنگی در جامعه است که در نتیجه آن تضاد و تضارب در حوزه کارکردهای نهادهای فرهنگی جامعه به حداقل ممکن رسیده و یا از بین می‌رود. بدیهی است که فضای مبتنی بر انسجام فرهنگی از حیث روانی- فکری، بستر لازم برای پیشرفت اقتصادی و سیاسی را فراهم می‌آورد و این امر دلالت بر اهمیت و ضرورت وجود انسجام فرهنگی دارد (علینقی، ۱۳۷۸، ص ۲۲).

بر همین مبنا می‌توان گفت که اگر بخواهیم فرهنگ دفاع مقدس کارکرد انسجامی در جامعه داشته باشد باید حالتی پویا داشته باشد تا بتواند به نیازهای جدید نسل جوان پاسخگو باشد و این محقق نمی‌گردد مگر با کمک نظام تعلیم و تربیت که عهده‌دار فرهنگی بار آوردن جوانان است؛ بنابراین نظام تعلیم و تربیت می‌تواند با معرفی مؤلفه‌های فرهنگ دفاع مقدس به ایجاد نظم در جامعه کمک کند. البته از آنجایی که ارزش‌ها، هنجارها و اولویت‌های جامعه متفاوت است، طبیعی است که فرایند اجتماعی کردن در دنیای جدید، فرایندی ناهماهنگ و پرتنش است؛ اما می‌توان با استفاده از سه نهاد تأثیرگذار خانه، مسجد و بازار به انسجام درونی کمک کرد، همان‌طور که در دوران دفاع مقدس با کمک این سه نهاد انسجام فرهنگی به وجود آمد.

۴-۳- پاسخ به سؤال دوم پژوهش: دلالت‌های تربیتی فرهنگ دفاع مقدس برای نسل جوان کدام‌اند؟

دلالت‌های تربیتی	مؤلفه‌های فرهنگ دفاع مقدس
<p>فرهنگ ولایت که جوهر نظام جمهوری اسلامی است همواره علت اصلی پیروزی‌ها و عبور از بحران‌های مختلف چه در زمان زمامداری امام خمینی (ره) و دوران دفاع مقدس و چه در دوران مقام معظم رهبری بوده و خواهد بود. از این رو نهادهای شایسته فرهنگ ولایت در جامعه ما پیش از عوامل دیگر ضرورت دارد. مهم‌ترین مؤلفه‌ها در تعمیم فرهنگ ولایت عبارت‌اند از:</p> <p>الف- اطاعت صادقانه</p> <p>ب- پرهیز از دنیاطلبی و اشرافی‌گری</p> <p>ج- بصیرت و آگاهی</p> <p>د- تحلیل عالمانه</p> <p>ه- اعتدال‌گرایی به‌عنوان صراط مستقیم ولایت</p> <p>بر همین مبنا نظام تعلیم و تربیت می‌تواند بر اساس مؤلفه‌های فرهنگ دفاع مقدس (اطاعت صادقانه، پرهیز از دنیاطلبی و اشرافی‌گری، بصیرت و آگاهی، تحلیل عالمانه، اعتدال‌گرایی به‌عنوان صراط مستقیم ولایت) به نهادهای سازنده مؤلفه‌ها بپردازد. نظام تعلیم و تربیت در برنامه درسی و محتوای آموزشی و همچنین با برنامه‌هایی در زمینه تحلیل و نقد عالمانه و دنیاطلبی و ... مهارت‌هایی را در نسل جوان ایجاد کند (پیروزمند و صادقی، ۱۳۸۵، ص ۱۱).</p>	<p>ولایت مداری</p>
<p>اسطوره‌ها، سنن عزاداری، زبان، ادبیات و هنر، فرهنگ شهادت‌طلبی و ... اولین کارکرد عاشورا در ساحت هویت فرهنگی، اثرگذاری عمیق بر اسطوره‌های ایرانیان شیعه است. ایرانیان که از دیرباز اسطوره‌های خود را در قالب ادبیات ریخته بودند، در طول تاریخ آرام‌آرام واقعه‌ی عظیم عاشورا را نیز به باورهای اسطوره‌ای خود وارد کردند و با آن در آمیختند. تا جایی که بسیاری از شخصیت‌های عاشورایی، امروز به نمادهای اسطوره‌ای تبدیل شده‌اند. امام حسین (ع) مظهر عبادت، عبودیت، رهبری و ایستادگی، حضرت ابوالفضل (ع) مظهر وفاداری، استقامت و قدرت، حضرت زینب (س) مظهر صبر و مقاومت و ایثار و ... در حقیقت، یکایک شخصیت‌های عاشورا در طول تاریخ برای ایرانیان جایگاه اسطوره‌ای و نمادین یافته‌اند که این امر تأثیرات عمیقی بر هویت و شخصیت ایرانیان داشته است و بالأخص در دوران دفاع مقدس الگوبرداری از این اسطوره‌ها قابل توجه است (تقی زاده اکبری و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۹۷).</p> <p>از جنبه تربیتی نیز الگوبرداری یکی از راهکارهای تربیتی است که همواره یکی از راه‌های هویت‌یابی و ساخت شخصیت بوده است؛ چراکه نسل جوان به دنبال کمالات و خوبی‌هاست و یافتن این خوبی‌ها در اساطیر ممکن است. در واقع نظام تعلیم و تربیت با استفاده از روش الگوبرداری و اسطوره‌ای می‌تواند شخصیت شهیدان را برای جوانان به‌عنوان الگو معرفی کند.</p>	<p>فرهنگ عاشورایی رزمندگان</p>
<p>منبع اولیه فرهنگ مشترک، توحید است که تنها یک اعتقاد نیست، بلکه شعار امت اسلامی نیز هست. توحید در میان تمام ملت‌ها و فرهنگ‌ها و در تمام کشورها و فرقه‌ها یک باور است. تأثیر توحید بر وحدت فرد و وحدت گروه و وحدت کشورها و وحدت امت و وحدت انسانیت است. توحید از فرد آغاز می‌شود. پس از وحدت فرد، وحدت جامعه قرار می‌گیرد و فاصله طبقاتی از میان می‌رود. پس از وحدت جامعه، وحدت امت در تمام سطوح</p>	

<p>قرار می‌گیرد. پس از وحدت امت، وحدت انسانیت قرار می‌گیرد و همه انسان‌ها یک امت-اند.</p> <p>فرهنگ توحید، تنها یک عقیده یا تاریخ نیست، بلکه یک دستاورد عملی و قانون تاریخ و حرکت یک جامعه است. توحید است که می‌تواند در شرایطی که عوامل پراکندگی و تجزیه امت را تهدید می‌کنند، از آن پاسداری کند. «أرباب متفرقون خیر ام الله الواحد القهار».</p> <p>از سوی دیگر در دوران دفاع مقدس شاهد وحدت مردمی بودیم و همین وحدت در سایه رهبری امام خمینی (ره) توانست بر مشکلات فائق آید. از جنبه تربیتی هم می‌توان گفت که نظام تعلیم و تربیت می‌تواند با معرفی فرهنگ دفاع مقدس به وحدت نظام اجتماعی کمک کند.</p>	<p>وحدت مردمی</p>
<p>در دفاع مقدس جوانان دانشگاهی نقش بسیار فعال و چشمگیری در فرماندهی جنگ برعهده گرفته بودند فرماندهان مؤثر در سطوح بالای فرماندهی دفاع مقدس نشان از حضور جوانان مؤمن و باسواد دانشگاهی دارد شهید باقری، شهید علم الهدی، شهید زین‌الدین، شهید عدالت از استان بوشهر و بسیاری دیگر از فرماندهان، دانشجوی دانشگاه بوده‌اند. نکته قابل تأمل این است که در دوران دفاع مقدس به استعداد جوانان اهمیت داده می‌شد و همین اعتماد به جوانان توانست کشور را در برابر ارتش عراق به پیروزی برساند (تقی زاده و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۵۶). از جنبه تربیتی می‌توان گفت که اعتماد به توانایی جوانان در حل مشکلات کنونی می‌تواند مدنظر قرار گیرد. کشور ما به لحاظ منحصر به فرد بودنش از لحاظ آرمانی و عقیدتی دشمنان زیادی داشته و در آینده هم خواهد داشت، بنابراین ما نیاز داریم که نوجوان و جوان ما با این فرهنگ عمیقاً آشنا شوند تا بتواند از انقلاب، نظام جمهوری اسلامی و آرمان‌های بلند حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری به‌موقع دفاع نمایند.</p>	<p>استفاده از توانایی و نبوغ جوانان</p>
<p>اعتقاد به معاد، یاد قیامت و رستاخیز عظیم، پشتوانه نیرومندی برای احساس مسئولیت و پذیرفتن محدودیت‌های رفتاری و خودداری از ظلم هست. کسی که ایمان به معاد دارد و معتقد است تمام اعمال او در روز قیامت محاسبه و به حساب ریزودرشت اعمال او رسیدگی خواهد شد و آنگاه جزای هر یک از رفتارها را خواهد دید در این دنیا مراقب رفتار و کردار خود خواهد بود و از کم‌کار و سهل‌انگاری در وظایف مدیریتی خود در نهاد و سازمان پرهیز می‌کند. در جامعه‌ای که چنین اعتقادی زنده و حاکم باشد و در تمام شریان‌های آن جریان یابد و مدیران و کارکنان بدان پایبند باشند بی‌هیچ تردیدی برای اجرای قوانین و مقررات عادلانه و جلوگیری از ظلم و تجاوز به دیگران کمتر نیاز به اعمال زور و فشار خواهد بود و سطح پاسخگویی به‌صورت چشم‌گیری افزایش خواهد یافت و بی‌شک مشکلات ناشی از کم‌کاری و سرقت از کار در سطح سازمان و نهاد به‌صورت چشمگیری کاهش می‌یابد و افراد مراقب صحت کارهای خویش می‌گردند و به‌صورت جهادی و انقلابی به کار خویش ادامه می‌دهند و فرهنگ و مدیریت جهادی شکوفا خواهد شد. چنانچه در سه دهه گذشته به‌خصوص در اوایل تشکیل جهاد این فرهنگ در اوج شکوفایی و بالندگی خود بوده است.</p>	<p>مسئولیت‌پذیری جوانان</p>
<p>رزمندگان همواره با تمسک به معنویت و اهل‌بیت (ع) از گرفتاری‌ها و مشکلات بیرون آمده‌اند. بر همین اساس می‌توان گفت نظام تعلیم و تربیت می‌تواند با استفاده از مؤلفه باورهای دینی رزمندگان دوران دفاع مقدس، در زمینه تربیت دینی نسل جوان تلاش نماید (لطیف پور، ۱۳۸۹، ص ۲۵). از زیرمجموعه‌های مؤلفه باور دینی می‌توان به امداد غیبی،</p>	<p>باورهای دینی</p>

ارزش‌های اسلامی و ... اشاره کرد که همگی در راستای دینی تربیت کردن جوانان می‌تواند مثمر ثمر واقع گردد.
--

نتیجه‌گیری:

بر مبنای یافته‌های پژوهش اکنون می‌توان گفت که فرهنگ غنی دفاع مقدس می‌تواند سرمایه ارزشمندی برای بحران‌های کنونی جامعه و بالأخص نظام تعلیم و تربیت باشد، بحران‌هایی مانند هویت‌یابی بیگانه، معنویت‌گریزی، غرب‌گرایی و منفعت‌جویی، یاس و ناامیدی، پوچ‌گرایی و ... که دامن‌گیر نظام تعلیم و تربیت کشور است. از جمله دلالت‌های فرهنگی که استنتاج گردید می‌توان به (ولایت‌مداری، فرهنگ عاشورایی، وحدت مردمی، اعتماد به نیرو و نبوغ جوانان، مسئولیت‌پذیری و باورهای دینی) را می‌توان نام برد که در فرهنگ دفاع مقدس ظهور و بروز داشته است. غفلت از دستاوردهای انقلاب و دفاع مقدس جوانان را به سمت غرب‌گرایی و چشم‌امید داشتن به یاری بیگانگان و دشمنان قسم‌خورده سوق داده است، درحالی‌که فرهنگ ملی و همچنین فرهنگ دفاع مقدس سرشار از پیام‌های خودباوری و اعتماد به جوانان است؛ بنابراین نظام تعلیم و تربیت می‌تواند نقش مهم و یاری‌رسانی در این عرصه داشته باشد که مهم‌ترین آن، معرفی فرهنگ دفاع مقدس و نهادینه کردن مؤلفه‌های آن و کاربردی کردن آن است. در واقع نظام تعلیم و تربیت هر کشوری، عهده‌دار فرهنگی بار آوردن تمام اعضای آن جامعه را دارد، پس غفلت از این امر می‌تواند عواقب جبران‌ناپذیری را برای انقلاب و فرهنگ بومی کشور به دنبال داشته باشد.

منابع:

۱. اشرف، احسان (۱۳۸۵)، «هویت ایرانی»، مجله گفتگو. شمار ۲ صص ۱۲-۱۵.
۲. افتخاری، اصغر و علی اکبر کمالی (۱۳۷۷). رویکرد دینی در تهاجم فرهنگی، چاپ اول، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، گروه انتشارات.
۳. امام خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۹)، مجموعه سخنرانی‌های مقام معظم رهبری ویژه روز بسیج.
۴. امام خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۶)، مجموعه سخنرانی‌های مقام معظم رهبری در جمع شورای انقلاب فرهنگی.
۵. امین، جعفر (۱۳۷۸)، هویت‌های فرهنگی در دهکده جهانی. روزنامه فتح. برگردان عسگری.
۶. آرون، ریمون (۱۳۸۵)، مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۷. آزاد آرمکی، تقی (۱۳۷۵)، «تحلیل جامعه‌شناختی از: راه‌های نفوذ فرهنگی غرب در ایران معاصر»، کتاب سروش، (مجموعه مقالات، رویارویی فرهنگی ایران و غرب در دوره معاصر)، چاپ اول، تهران: سروش.
۸. بختیاری، ابوالفضل (۱۳۸۸)، فرهنگ آموزش در ژاپن، نشریه پیوند وزارت آموزش و پرورش، شماره ۲۶۳.
۹. بوش، ریچارد و همکاران (۱۳۷۴)، جهان مذهبی: ادیان در جهان امروز، ویراستار: رابرت ویر، عبدالرحیم گواهی. تهران. دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۸۷۸.
۱۰. پانوف، میشل و میشل پرون (۱۳۶۸)، فرهنگ مردم‌شناسی، ترجمه‌ی علی‌اصغر عسکری خانقاه، چاپ اول، تهران: انتشارات ویس.
۱۱. پیروزمند، علیرضا و صادقی، شیده (۱۳۸۵)، «جیستی فرهنگ و چگونگی تغییرات آن (پیش‌نیاز مهندسی فرهنگی)». مجله فرهنگ و تمدن. شماره ۲. صفحه ۲۳-۴۱.
۱۲. تری یاندریس، هری چارالامبوس (۱۳۸۵)، فرهنگ و رفتار اجتماعی، ترجمه محمد حسینی، تهران، رسانش.
۱۳. تقی زاده اکبری، علی (۱۳۸۰)، عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس. جلد اول و دوم، نشر نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
۱۴. تقی زاده، سنگری و عبدالهی (۱۳۸۷)، عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس (فرهنگ عاشورا). پژوهشکده تحقیقات اسلامی. جلد سوم.
۱۵. داوری اردکانی، رضا (۱۳۸۱)، فرهنگ و تعلیم و تربیت. نامه فرهنگ: فصلنامه تحقیقاتی در مسائل فرهنگی و اجتماعی. شماره ۳. تهران. معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۶. دلاور، علی (۱۳۸۹)، روش‌های آماری در روانشناسی و علوم تربیتی، تهران. انتشارات دانشگاه پیام نور.
۱۷. دوران افتخار (۱۳۹۰)، ستاد کل نیروهای مصلح، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس. ص ۱۴.
۱۸. دوره تربیتی- تشکیلاتی خط امام (۱۳۹۴)، اصول و روش‌های تربیت اسلامی. تهران: سازمان بسیج دانشجویی
۱۹. رفیعی، بهروز (۱۳۸۷)، سیر آراء تربیتی در تمدن اسلامی، تهران، مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران (سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران).
۲۰. روح‌الامینی، محمود (۱۳۷۲)، زمینه فرهنگ‌شناسی، پویایی و پذیرش، چاپ سوم، تهران: انتشارات عطار.
۲۱. سجادی، سید مهدی (۱۳۸۴)، کثرت‌گرایی فرهنگی، هویت و تعلیم و تربیت (تبیین و ارزیابی). مجله اندیشه‌های نوین تربیتی، دوره ۱، شماره ۱ صص ۳۸-۲۵.

۲۲. سمیعی اصفهانی، محمد و همکاران (۱۳۹۳)، انقلاب اسلامی، دستاوردها، چالش‌های پیشرو و رسالت کنونی ما. مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی.
۲۳. صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام راحل (ره)، وزارت ارشاد، تهران ۱۳۶۱-۱۳۷۱.
۲۴. صدر، صادق (۱۳۷۷)، کثرت قومی و هویت ملی ایرانیان. تهران: اندیشه نو.
۲۵. صلاحی، جاوید (۱۳۷۶)، تهاجم فرهنگی و مقابله با آن، گزارش تحقیقاتی، مشهد: دانشگاه فردوسی.
۲۶. علم الهدی، جمیله (۱۳۹۰)، جریان‌های فکری تأثیرگذار در تعلیم و تربیت. کتاب نقد شماره ۲۲.
۲۷. علینقلی، امیرحسین (۱۳۸۷)، فرهنگ و انسجام اجتماعی در ایران: گذشته و حال، فصلنامه مطالعات راهبردی. شماره سوم، صص ۱۰-۲۲.
۲۸. فرهنگ و تهاجم فرهنگی (۱۳۷۳)، برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، چاپ اول، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۲۹. فقیه حقانی، موسی (۱۳۷۵)، فراماسونری و گسترش فرهنگ غرب در ایران، کتاب سروش (رویارویی فرهنگی ایران و غرب در دوره معاصر)، چاپ اول، تهران: سروش.
۳۰. فلسفه تعلیم و تربیت (۱۳۹۱)، درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی (۱). تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳۱. فوزی، یحیی و بصیرنیا، غلامرضا (۱۳۹۰)، بررسی مبانی نظری رویکرد سلبی و ایجابی به مهندسی فرهنگی در ایران بعد از انقلاب. کنگره ملی بررسی اندیشه‌های فرهنگی و اجتماعی حضرت امام خمینی (ره).
۳۲. محمد مهدی بهداروند، محمدرضا قرایی آشتیانی و چمران بویه (۱۳۹۲)، تبیین عوامل شکل‌دهنده ویژگی‌های روحی و معنوی رزمندگان در دوران دفاع مقدس. فصلنامه راهبرد دفاعی. سال یازدهم. شماره ۴۳.
۳۳. محمدی، ذکر الله (۱۳۷۳)، نقش فرهنگ و تمدن اسلامی در بیداری غرب. چاپ اول. انتشارات دانشگاه بین‌المللی امام خمینی. قزوین.
۳۴. مطهری، مرتضی (۱۳۶۱)، پیرامون انقلاب اسلامی. قم: انتشارات اسلامی.
۳۵. مطهری، مرتضی (۱۳۷۴)، قیام و انقلاب مهدی (عج)، تهران: انتشارات صدرا.
۳۶. منصور لاریجانی، اسماعیل (۱۳۸۲)، تاریخ دفاع مقدس، ناشر: انتشارات خادم‌الرضا (ع).
۳۷. موسایی، میثم (۱۳۸۹)، دین، توسعه و فرهنگ. تهران: ناشر جامعه شناسان.
۳۸. نائینی، علی محمد (۱۳۸۹)، درآمدی بر ماهیت‌شناسی جنگ نرم، فصلنامه راهبرد دفاعی. سال هشتم، شماره ۲۸ صص ۱-۳۰.
۳۹. نهج البلاغه (۱۳۹۲)، ترجمه: محمد دشتی. تهران: انتشارات طلعه نور.

منابع لاتین

- Hofstede, G. H. S. (1992). "Corporate culture and Luthans, F. (1998). Organizational behavior, Boston: IrainLyon, D. (1999). Postmodernity. Open University press.
- Waters, A.L. (2000). Globalization, information and developing countries: A selected guid to information resources. [Online]. Available at: <http://slis.ualberta.ca/issues/alg1/global.htm/>. www.Genevanews.com/gnir.html/current/E1 Walker.html.

3. Giddens.A (1990).the consequences of modernity,London,polity Press.Globalization. (2002). [Online].Available.
4. Walker, G. (2000): Globalization and Education, International Baccalaureate Organization, Geneva NewsInternational Report.
www.Genevanews.com/gnir.html/current/E1 Walker.htm